

مسلمان (۱۱۴۷-۱۰۰۲) بسیار چشمگیر بود، اما چندان نیابید. غالب اشعار برجسته عبری آن زمان، بعدها از خاطر یهودیان رفت و تنها در قرون نوزدهم و بیستم بود که مجدداً این اشعار در ذهنشان زنده شد.

۱۵- در جریان آن جنگ، «هانری تراستامارا»^۱ به تبلیغات ضد یهود می پرداخت، هرچند مادر خودش، «لئونور دو گوزمان»^۲ نجیب زاده اهل کاستیل و متعلق به طبقه بالای جامعه، یک یهودی دورگه بود. (تنها در اسپانیا اشراف زادگان طبقه بالای جامعه با یهودیان وصلت می کردند.) هانری نیز پس از پیروزی، یهودیان را در بالاترین پستهای مالی به کار گمارد.

۱۶- تا قرن هیجدهم به نظر می رسید موقعیت برده ها در لهستان عموماً حتی از روسیه بدتر باشد. در آن سالها برده داری در روسیه از بعضی جهات، مثل فروش آنها در ملاء عام، از لهستان بدتر شده بود اما حکومت مرکزی تزار همیشه حقوق معینی را برای بردگان روستایی، مثل حق استخدام آنها در ارتش ملی، محفوظ نگاه می داشت.

۱۷- در دوره قبل، موارد شکنجه یهودیان نادر بود. این واقعیت در امپراطوری روم حتی بعد از شورشهای گسترده یهود، صدق می کند. گیبون^۳ حق دارد از آزادمنشی «آنتونیوس پیوس»^۴ (و «مارکوس آیورلیوس»)^۵ در برخورد با یهودیان، بلافاصله بعد از شورش بزرگ «بارکخبا»^۶ در سالهای ۱۳۲-۵ بعد از میلاد، تمجید کند.

۱۸- این واقعیت که هر یک از شکنجه های انجام شده با تحقیق پیرامون جزئیات آن به سادگی قابل اثبات است، از سوی هیچ یک از مورخین سنوات اخیر مورد توجه قرار نگرفته است. یک استثناء شایان ذکر موردی است که Hugh Trevor-Roper در کتاب «ظهور اروپای مسیحی» صفحات ۴-۱۷۳ به آن اشاره می کند، Thames and Hudson, London, 1965.

Trevor-Roper نیز یکی از معدود مورخین جدیدی است که به نقش بارز یهود در تجارت برده، اوایل دوران قرون وسطی، بین اروپای مسیحی (و

1. Trastamara

2. Leonor de Guzman

3. Gibbon

4. Antonius Pius

5. Marcus Aurelius

6. Bar-Kohkba

بت‌پرست) و دنیای مسلمان، اشاره می‌کند (Ibid، صفحات ۳-۹۲). میمونیدس به منظور تشویق و ترویج این عمل زشت، که در اینجا مجال بحث پیرامون آن نیست، به یهودیان اجازه داد تا تحت نام مذهب یهود، کودکان غیر یهودی را برای به بردگی کشاندن بریابند و عقیده او بی‌تردید در همان زمان و یا در زمان معاصر جامعه عمل پوشید.

۱۹- نمونه‌های فراوانی را می‌توان در تاریخ جنگهای مذهبی یافت. در این مورد مخصوصاً نگاه کنید به: «تاریخ جنگهای مذهبی» اثر «اس. رونسیمن»،^۱ جلد اول، کتاب سوم، فصل اول، تحت عنوان: «جنگ مذهبی آلمان». شکست آلمان، این میزبان جنگ، به وسیله ارتش مجارستان، برای اکثر مسیحیان، مجازات عادلانه قاتلین یهودیان توسط برندگان جنگ بود.

۲۰- کتاب «Europe Unfolding 1648-88» نوشته John Stoye صفحه ۴۶، فونتانا، لندن.

۲۱- البته این وجه اخیر در تاریخ‌نگاری موجود یهود منعکس نشده است. مجازات معمول برای یک روستایی شورشی یا حتی «بی‌مبالات» به چارمیخ کشیدن او بود.

۲۲- وضعیت مشابهی را می‌توان در مناطق مختلف کشور موردنظر مشاهده کرد. به عنوان مثال در آلمان، منطقه باواریا که یک ناحیه کشاورزی است، گرایشهای ضد یهودی به مراتب بیش از مناطق صنعتی این کشور است.

۲۳- امتناع کلیسا از پذیرش این امر که یک یهودی همیشه یک یهودی است، دلیل دیگری برای ناراحتی کاتولیک متظاهری مثل Drumont بود. یکی از معاونین ارشد وی به نام Jules Guérin از تنفری سخن گفته است که وقتی «Père du lac» یسوعی^۲ مشهور وی را به خاطر حمله به یهودی از دین برگشته‌ای که در یفوس^۳ نامیده می‌شد مورد اعتراض قرار داده بود، نسبت

1. S,Runciman

۲. Jesuit، عضو فرقه یسوعیون یا انجمن عیسی که به وسیله لایولا تأسیس شد. -

مترجم.

3. Dreyfus

به او احساس می‌کرد. کتاب «توسعه فرانسه مدرن» نوشته D.W. Brogan، جلد اول، صفحه ۲۲۷، Harper Torchbooks, New York 1966.

24- Ibid.

۲۵- نژادپرستی گاهی اوقات می‌تواند خصوصیت شیطنانی و نامعقولی پیدا کند. اجازه بدهید این حالت را با سه نمونه معرفی کنم. بخش عمده قلع و قمع یهودیان اروپا، در سال ۱۹۴۲ و اوایل سال ۱۹۴۳ در جریان حمله نازیها به روسیه انجام شد که با شکست آنان در استالینگراد به اوج خود رسید. در طول هشت ماه بین ژوئن سال ۱۹۴۲ تا فوریه سال ۱۹۴۳، نازیها احتمالاً از واگنهای قطار، بیشتر برای حمل یهودیان به اتاقهای گاز استفاده کردند تا حمل و نقل ملزومات نظامی ارتش، اغلب این یهودیان قبل از آنکه به اتاقهای مرگ برده شوند، حداقل در لهستان، در قسمت تولید وسایل مورد نیاز ارتش آلمان استخدام می‌شدند. نمونه دوم که از نظر زمانی متعلق به زمان دورتری است، مربوط به توضیحی است که راجع به «ستارگان سیسیل»^۱ در ۱۹۸۲، داده می‌شود. هر فرانسوی که به چنگ این سیسیلیها می‌افتاد، مصیبت به او روی آورده بود. اینها به مهمانخانه‌هایی که فرانسویها رفت و آمد داشتند و یا خانه‌های محل سکونت آنان هجوم می‌بردند و هیچ مرد، زن و یا کودکی را سالم نمی‌گذاشتند... این شورشیان با حمله به صومعه‌های دومینیکن و فرانسیسکن راهبان فقیر را با زور به بیرون کشیده و از آنان می‌خواستند تا کلمه «ciciri» را تلفظ کنند زیرا فرانسوی زبانها نمی‌توانستند این کلمه را به درستی تلفظ کنند. هرکس نمی‌توانست این کار را بکند قتلش حتمی بود. (کتاب «ستارگان سیسیل» اثر S.Runciman چاپ انتشارات دانشگاه کلمبیا، ۱۹۵۸، صفحه ۲۱۵) و نمونه سوم مربوط به زمان اخیر است. در تابستان سال ۱۹۸۰، به دنبال تلاش تروریستهای یهودی که

۱. Sicilian vespers، اشاره به سیسیلیهایی که در انقلاب ۱۲۸۲ خود علیه چارلز اول، فرانسویها را قتل عام کردند. وجه تسمیه این تعبیر، شورشی است که در خارج از یک کلیسا در پالموی ایتالیا و در ساعتی اتفاق افتاد که ستاره زهره (vesper) در روز سی‌ام ماه مارچ (Easter) در آسمان می‌درخشید. - مترجم.

منجر به قطع هر دو پای «بسام شکاء»^۱ شهردار نابلس و قطع یک پای «کریم خلف»^۲ شهردار رام‌الله شد، گروهی از نازیهای یهودی که در محوطه دانشگاه تل‌آویو جمع شده بودند، چند گربه را روی آتش سرخ کرده و گوشت آنها را به عنوان «کیاب پای شهرداران عرب» به هر کسی که از آنجا می‌گذشت تعارف می‌کردند. کسانی که شاهد این صحنه عیاشی هولناک بودند، از جمله خود من، چاره‌ای نداشت جز اینکه قبول کند که دانش امروز بشری از توجیه بعضی از اعمال دهشت‌انگیز انسان قاصر است.

۲۶- یکی از اولین نیرنگها و تناقض‌گوییهای «یابوتینسکی»^۳ (بنیانگذار حزبی که بعدها بگین رهبری آن را به عهده گرفت) پیشنهادی بود که حوالی سال ۱۹۱۲ برای ایجاد دو دولت یهود، یکی در فلسطین و دیگری در آنگولا، داد. بدین ترتیب که دولت ایجاد شده در فلسطین به خاطر فقر منابع طبیعی از سوی دولتی که در آنگولا تشکیل خواهد شد، کمک مالی شود.

۲۷- تئودر هرتصل در اوت ۱۹۰۳ به فاصله کمتر از چهار ماه بعد از کتشار مخوف «کیشینف»^۴ که بعداً معلوم شد کار «فن پلهو»^۵ بوده است، برای دیدن او به روسیه رفت و به وی پیشنهاد کرد تا بر اساس تمایل مشترکشان مبنی بر بیرون راندن اکثر یهودیان از روسیه و منحرف کردن حمایت یهود از جنبش سوسیالیست برای یک مدت کوتاه، با هم متحد شوند. این وزیر تزار، اولین مصاحبه‌اش را (هشتم اوت) با هرتصل، به عنوان کسی که خود را «حامی پرشور صهیونیسم» می‌داند، آغاز کرد. وقتی هرتصل به تشریح اهداف صهیونیسم پرداخت، «فن پلهو» سخنان او را قطع کرد و گفت: «شما دارید کسانی را که دست از دین خود شسته‌اند موعظه می‌کنید.»

Amos Elon, Herzl, *Am Oved*, 1976, PP 415-9, in Hebrew.

28- Dr. Joachim Prinz, *Wir Juden*, Berlin, 1934, PP. 150-1.

29- Ibid., PP. 154-5.

۳۰- به عنوان مثال نگاه کنید به: Ibid., P. 136، حتی بدترین تعبیرات همدردی با

1. Bassam shaká

2. Karim Khalaf

3. Jabotinsky

4. Kishinev

5. Von Plehve

تاریسم از سوی باند افراطی اشترن^۱ (Lohamey Herut yisrael) از سال ۱۹۴۱ به بعد ابراز گردید. در تعبیرات صهیونیسم، دکتر پرینز «یک معصوم» تلقی می‌شد. وی در دهه ۱۹۷۰ حتی از جنبش یهودیان آمریکا «Breira» هم حمایت می‌کرد تا آنکه گلدامایر او را از این کار بازداشت.

فصل پنجم: قوانین ضد غیریهودیان

۱- میمونیدس، میشته‌تراه، «قوانین در مورد قاتلین»، 2,11، دائرةالمعارف تلمود، «غیریهودی».

2- R.yo' el Sirkis, Bayit Hadash, Commentary on Beyt yosef, yorch De'ah 158.

دو قانونی که ذکر شد حتی در صورتی که مقتول غیر یهودی، بیگانه مقیم «ger toshav» باشد و در حضور سه شاهد یهودی متعهد به رعایت «احکام هفتگانه نوح» (قوانین هفتگانه کتاب مقدس که از نظر تلمود، برای غیر یهودیان وضع شده است) شود، اعمال می‌گردد.

3- R. David Halevi (Poland, 17 Centurey), Turey Zahav on Shulban Arukh, «yorch De'ah» 158.

۴- (در توضیحات مؤلف کتاب جاافتاده است. - مترجم).

۵- در دائرةالمعارف تلمود، «Ger» یعنی کسی که به آیین یهود گرویده است.

6- For Example, R.Shabbtay Kohen (mid 17 Century), siftey Kohen on Shulban Arukh, «Yorch De'ah» 158:

اما در زمان جنگ، کشتن آنها به دست خود فرد، یک سنت بود، زیرا گفته شده است: «غیر یهودی، حتی بهترینش هم کشتنی است.» «Turey Zabav» و «siftey kohen»، دو تفسیر مهم کلاسیک از شولبان آروخ به‌شمار می‌روند. (نگاه کنید به یادداشت شماره ۳).

۷- Colonel Rabbi A.Avidan (Zemel) «اخلاق اسلحه در پرتو هالاخا»، (بعد از جنگ یوم کیپور، فصلهای تلقین، هالاخا) تحقیق از فرماندهی مرکزی،

۱۹۷۳: نقل شده در «Ha' olam Hazzeh» پنجم ژانویه ۱۹۷۴؛ همچنین به نقل از David Shaham «فصل تلقین»، Hotam، بیست و هشتم مارس ۱۹۷۴ و به نقل از Amnon Rubinstein، «چه کسی هالاخا را تحریف می‌کند؟»، روزنامه معاریو، سیزده اکتبر ۱۹۷۵. گزارشهای Rubinstein که جزوه آن متعاقباً به دستور فرمانده کل ستاد ارتش ممنوع‌التوزیع شد، احتمالاً به خاطر آنکه سربازان را تشویق به عدم اطاعت از وی می‌کرد. اما این فرمانده کل شکایت می‌کند که نه ربی آویدان و نه هیچ ربی دیگری، اعم از نظامی یا غیر نظامی، به عنوان اعتراض به آنچه که او نوشته بود، محاکمه نظامی نشدند.

۸ - R. Shimon Wiser، «اخلاق اسلحه - مبادله نامه‌ها» در Niv Hammidrashiyah yearbook of Midrashiyat Noám, 1974 PP. 29-31 این کتاب سال به زبان عبری، انگلیسی و فرانسه نوشته شده اما آنچه که در اینجا نقل گردید، فقط به زبان عبری چاپ شده است.

9- Psalms 42:2.

۱۰- «تو باید نام عمالک را از صفحه روزگار محو کنی»، سفر تثنیه، کتاب دوم تورات ۲۵:۱۹ همچنین مقایسه کنید با 15:3 ساموئل جلد اول: «اکنون برو و عمالک را از بین ببر و هرآنچه دارند نابود کن و کسی از آنان را باقی نگذار و مرد و زن و کودک و شیرخواره، گاو و گوسفند، و شتر و الاغ آنان را از دم تیغ بگذران.»

۱۱- ما خواننده را از مطالعه اکثر این منابع نسبتاً پیچیده و درهم معاف می‌کنیم و از تلمود و منابع شرعی یهود نقل مطلب خواهیم کرد. این گونه حذف کردنها را با این علامت [...] مشخص کرده‌ایم. استنتاجهای شخصی این ربی به صورت کامل تجدید چاپ شده است.

۱۲- Tosafot (در لغت به معنای ضمائم) چارچوب اصلی تفاسیری است که از قرن یازدهم تا سیزدهم بر تلمود نوشته شده است.

۱۳- اشخاصی که مرتکب چنین جرائمی می‌شوند حتی می‌توانند به مقامات بالای اجتماعی هم ارتقاء یابند. شاهد این مدعا، ساموئل لاهیس^۱ مسؤول

قتل عام پنجاه تا هفتاد و پنج روستایی عرب است که پس از تصرف روستای آنان توسط ارتش اسرائیل در جریان جنگ سال ۱۹۴۸-۹ در یک مسجد زندانی شده بودند. «لاهیس» به دنبال یک محاکمه فرمایشی با وساطت بن گوریون مشمول عفو کامل شد. این فرد تا حد یک وکیل عالیرتبه دادگستری ترقی کرد و در اواخر دهه ۱۹۷۰ به عنوان مدیر کل آژانس یهود (که در واقع ارگان اجرایی جنبش صهیونیسم به شمار می‌رود) منصوب گردید. در اواخر سال ۱۹۷۸ حقایقی در ارتباط با پیشینه وی منتشر و در سطحی وسیع به مطبوعات اسرائیل کشیده شد. اما هیچ ربی یا محقق علوم دینی یهود، عفو او یا لیاقتش برای منصب جدید را مورد سؤال قرار نداد و انتصاب او هرگز فسخ نشد.

14- Shulban Arukh, «Hoshen Mishpat» 426.

15- Tractate Avodah Zarah, P. 26 b.

16- Maimonides, OP.Cit., «Murderer» 4,11.

۱۷- لویتیکوس، ۱۹:۱۶، در ارتباط با اعطای عنوان «دوست تو» نگاه کنید به بخش یادداشتها و ارجاعات همین کتاب، فصل سوم، شماره ۱۴.

18- Maimonides, OP.Cit., «Idolatry» 10, 1-2.

۱۹- در هر دو مورد در بخش 158 «yoreh Do' ah» فرضیه مشابهی را شولبان آروخ در 425 «Hoshen Mishpat» تکرار می‌کند.

20- Moses Rivkes, Be' er Haggolah on «Shulban Arukh», «Hoshen Mishpat» 425.

۲۱- به همین دلیل پروفیسور Jacob katz در کتاب خود به نام «بین یهودیان و غیر یهودیان» که به زبان عبری نوشته شده، همچنین در ترجمه انگلیسی مستدل‌تر آن به نام «انحصارگرایی و تحمل»، تنها این پاراگراف را کلمه به کلمه نقل می‌کند و این نتیجه شگفت‌انگیز را می‌گیرد که: «در مورد قاعده صیانت ذات، هیچ تبعیضی نباید بین یهودی و مسیحی قائل شد.» وی هیچ یک از نقطه نظرات معتبری را که در بالا به آنها اشاره کردم یا در بخش بعد به آنها خواهم پرداخت نقل نمی‌کند.

22- Maimoides, OP. Cit., «sabbath» 2, 20-21; Shulban Arukh,

«Orah Hayyim» 329.

۲۳- R. Aqiva Eiger, Commentary on Shulban Arukh, Ibid وی همچنین اضافه می‌کند که اگر یک نوزاد سرراهی، در شهری که بیشتر ساکنین آن غیر یهودی هستند پیدا شود، باید در مورد برداشتن و نگهداری او با یک ربی مشورت کرد.

24- Tractate Avodah Zarah, P. 26.

25- Maimonides, OP. Cit., «sabbath» 2, 12; Shulban Arukh, Orah Hayyim, 330.

متن اخیر می‌گوید: «کافر بر غیر یهودی مرجح است.» اما برخی از مفسرین مثل Turey Zahav تأکید دارند که این قاعده حتی در مورد «فرقه اسماعیلیه» هم کاربرد دارد، یعنی «مسلمانانی که بت پرست نیستند.» در اینجا صراحتاً ذکری از مسیحیها به میان نیامده اما این قاعده به طریق اولی باید شامل آنان نیز بشود، چون همان طوری که متعاقباً خواهیم دید، اسلام از مسیحیت آسان‌گیرتر است. همچنین نگاه کنید به پاسخنامه Hatam Sofer که ذیلاً نقل شده است.

۲۶- این دو مثال در مورد لهستان و فرانسه توسط ربی I.Z. Cahana (که بعدها استاد تلمود دانشگاه مذهبی «بار ایلان» اسرائیل شد) گزارش شده است. «طب در ادبیات هالاخایی قبل از تملود»، Sinai، جلد ۲۷، ۱۹۵۰، صفحه ۲۱۱. وی همچنین مورد زیر را از قرن نوزدهم ایتالیا گزارش می‌کند:

تا سال ۱۸۴۸، در کشورهای تحت نفوذ پاپ، پزشکان یهودی به واسطه قانون خاصی از معالجه غیر یهودیان منع شده بودند. جمهوری روم که در سال ۱۸۴۸ تأسیس شد، این قانون را هم در کنار سایر قوانین تبعیض آمیز ضد یهودی، لغو کرد. اما در سال ۱۸۴۹ در یک لشکرکشی برق آسا توسط لوئی ناپلئون (بعدها، امپراتور ناپلئون سوم)، جمهوری روم شکست خورد و پاپ «پیوس نهم» مجدداً روی کار آمد و همو بود که در سال ۱۸۵۰ قوانین ضد یهودی را احیاء کرد. فرماندهان قرارگاه فرانسویها با ابراز انزجار از چنین عمل تندی، با نادیده گرفتن قانون پاپ تعدادی پزشک یهودی را برای معالجه سربازانشان به کار گرفتند. از ربی اعظم رم «Moshe Hazan» که یک

پزشک بود، سؤال شده بود که آیا یکی از شاگردانش که او نیز پزشک است می‌تواند علیرغم خطر هتک حرمت شنبه، در بیمارستان نظامی فرانسویها مشغول کار شود یا خیر؟ این ربی در پاسخ گفته بود: اگر در شرایط استخدام صریحاً «کار در روز شنبه» ذکر شده باشد، وی باید از کار در آنجا اجتناب کند، اما چنانچه چنین شرطی ذکر نشده باشد، می‌تواند با به کارگیری «هوش و زیرکی یهودیان متقی» در آنجا مشغول کار شود. مثلاً می‌تواند در روزهای شنبه، نسخه روز جمعه را تکرار کند و این را به راحتی به نسخه پیچ بگوید. مقاله نسبتاً صریح «cahana» که شامل نمونه‌های بسیار دیگری نیز هست، در بخش کتاب‌شناسی کتاب «اخلاقیات طب یهود» نوشته ربی اعظم سابق بریتانیا Immanuel Jakobovits، آمده است. اما راجع به خود این مسأله چیزی نوشته نشده است.

«Jewish Medical Ethics» Bloch, New York, 1962.

27- Hokmat Sholomoh on Shulban Arukh, «Orah Hayyim» 330,2.

۲۸- R.Unterman روزنامه هآرتس مورخ چهارم آوریل ۱۹۷۷، بعد از آنکه به‌طور مستمر تحت فشار قرار می‌گیرد، تنها توضیحی که می‌دهد این است که «در زمان ما هر نوع امتناع از ارائه خدمات پزشکی به یک غیر یهودی می‌تواند منجر به خصومتی شود که احتمالاً جان یهودیان را به خطر بیندازد.

29- Hatam sofer, Responsa on shulban Arukh, «yoreh Do'ah» 131.

30- OP. Cit., on shulban Arukh, «Hoshen Mishpat», 194.

31- R.B. Knoblovitz, in the Jewish Review (Journal of the Mizrahi party in Great Britain, 8 June 1966.

32- R. yisrael Me' ir Kagan, better known as the «Hafetz Hayyim» Complain in his Mishnah Berurah, Written in Poland in 1907:

«و شما باید بدانید که اغلب پزشکان حتی مذهبی‌ترین آنها به هیچ وجه و به هیچ مقدار ملاحظه این قانون را نمی‌کنند؛ زیرا فرسنگها راه را برای معالجه یک کافر می‌پیمایند و با دستان خود ادویه می‌سایند، در حالی که هیچ اجازه‌ای برای این کارها ندارند، زیرا اگرچه ما می‌توانیم به دلیل ترس از اشاعه دشمنی این قبیل کارها را مجاز بشمریم، اما این اعمال تجاوز از

حدودی است که حکمای ما بر ما واجب نموده‌اند و حتی همین هم روشن نیست. در هر حال ممنوعیتهای تعیین شده از سوی خود تورات بایستی توسط هر یهودی رعایت شود و کسانی که از این ممنوعیتهای تخطی می‌کنند، کل قانون شنبه را نقض کرده‌اند و خداوند آنان را به خاطر تجاوز به مقدسات ببخشد. (Commentary on Shulban Arukh, Orah Hayyim, 330.) این نویسنده در مجموع، بزرگترین مقام مذهبی زمان خودش محسوب می‌شده است.

33- Avraham Steinberg MD (ed.), *Jewish Medical Law, Compiled From Tzitz Eliézer (Responsa of R. Eliézer Yehuda Waldenberg)*, Translated by David B. Simons MD, Gefen and Moosad harav Kook, Jerusalem and California, 1980.

34- OP. Cit., P. 39.

35- Ibid. P. 41.

۳۶- Ibid. P. 41. عبارت «بین یهودیان و غیر یهودیان» تعبیر زیبای این کلاه شرعی است که به خاطر جلوگیری از اشاعه «خصومت غیر یهودیان علیه یهودیان» طراحی شده نه بالعکس.

۳۷- Ibid. 41-2. تأکید از من است.

38- Dr.Falk Schlesinger Institute for Medical Halakhic Research at Sha'areg Tzedeq Hospital, *Sefer Asya (the Physician's book)* Reuben Mass, Jerusalem, 1979.

39- By Myself in Ha'olam hazzeh, 30 May 1979 and by Shullamit Aloni, Member of Knesset, in Ha' aretz, 17 June 1980

40- Ezekiel, 23:20.

۴۱- رساله Berakhot، صفحه ۷۸ الف.

۴۲- دائرةالمعارف تلمود، «Eshet Ish» (زن متأهل).

43- Exodus, 20:17.

۴۴- سفر پیدایش، 2:24.

۴۵- Maimonides, OP. «محرمات آمیزش جنسی» 12,10; *Talmudic Encyclopedia* Cit., *Encyclopedia*, «Goy»

46- Maimonides, OP. Cit, Ibid., 12, 1-3.

در واقع زن غیر یهودی، اختصاراً N.Sh.G.Z. نامیده می‌شود که ترکیبی از چهار کلمه عبری: «حائض» (ناپاک)، «برده»، «غیر یهودی» و «روسپی» است. همین زن به محض گرویدن به دین یهود، ناپاکی، بردگی و غیر یهودی بودنش از بین می‌رود اما همچنان تا پایان عمر «روسپی» محسوب می‌گردد، تنها به خاطر اینکه از یک مادر غیر یهودی متولد شده است و در یک گروه خاص قرار می‌گیرد یعنی زنی که در پاکی حامله نشده اما در پاکی به دنیا آمده یا به عبارت دیگر از مادری متولد شده که در زمان حاملگی به آیین یهود گرویده است. برای اطمینان بیشتر از احتمال هر گونه اختلاط نژاد، ربیها اصرار دارند زن و شوهری که به اتفاق به آیین یهود در می‌آیند، تا سه ماه از هر نوع رابطه زناشویی احتراز کنند.

۴۷- تنها استثنای بر این قاعده، مشخصاً غیر یهودیان دارای دفاتر اسناد رسمی مربوط به انجام و ثبت معاملات پولی و مالی، مثل محضرداران، مأمورین وصول مطالبات، میاشترین و نظایر آنها هستند. در مورد غیر یهودیان عادی و درستکار، حتی آنهایی که رابطه دوستانه‌ای با غیر یهودیان دارند، چنین استثنایی وجود ندارد.

۴۸- بعضی از ربیهای متعلق به زمانهای خیلی قدیم (قرن اول قبل از میلاد) این قانون را «یکی از رسوم» جاهلیت می‌خواندند و عملاً اموال گمشده غیر یهودیان را به آنان برمی‌گرداندند، مع هذا این قانون همچنان باقی مانده است.

۴۹- Leviticus, 25:14. این ترجمه تحت‌اللفظی عبارت عبری است در نسخه King Games، این عبارت بدین گونه ترجمه شده است: «شماها نباید به یکدیگر ستم روا دارید.» کلمه «ستم» کلمه دقیقی نیست اما کلمه «یکدیگر» ترجمه درستی از اصطلاح مذهبی «هر فردی، برادرش را» به شمار می‌رود. همان‌طور که در فصل سوم اشاره شد، «هالاخا»، همه این اصطلاحات را منحصرأ «دوست یهودی یک فرد» ترجمه می‌کند.

50 - Shulban Arukh, «Hoshen Mishpat» 227.

۵۱ - H.Bar-Druma در کتاب «و این مرز سرزمین ماست»، اورشلیم، ۱۹۵۸، از این دیدگاه دفاع کرده است. این کتاب در سالهای اخیر به دفعات مورد

بهره‌برداری ارتش اسرائیل در آموزش حزبی و مذهبی افسران قرار گرفته است.

52 - Maimonides, OP. Cit., Idolatory, 10,3-4.

۵۳ - نگاه کنید به یادداشت شماره ۲.

54 - Exodus, 23:33.

55 - Maimonides, OP. Cit., Idolatory, 10,6.

۵۶ - سفر تثئیه (کتاب دوم تورات) 20:16 همچنین نگاه کنید به آیاتی که در شماره ۱۰ همین فصل نقل شده است.

۵۷ - Numbers. 31:13-20 مخصوصاً به آیه ۱۷ توجه کنید:

«بنابراین اکنون هر جنس مذکری را در میان کوچکترها به قتل برسان و هر زنی را که از طریق هم‌آغوشی با مردی آشنا شده است، بکش.»

۵۸ - (حادثه «Qibbiya» در پرتو «هالاخا») R.Shául yisráeli, در Hattorah Vol.5, 1953/4. webamedinah

۵۹ - دعا این گونه ادامه می‌یابد: «برای آنکه مرا برده نیافریدی» سپس مردها باید این عبارت را به دعا بیفزایند که: «برای آنکه مرا زن نیافریدی» و زنان می‌گویند: «برای آنکه مرا خوشایند مرد آفریدی».

۶۰ - در اروپای شرقی تا همین اواخر این یک رسم همگانی در میان یهودیان بود که به عنوان اهانت در این مکان، آب دهان خود را روی زمین می‌انداختند، البته این عمل اجباری نبود و امروزه نیز این رسم تنها توسط کسانی که خیلی متعصب هستند انجام می‌شود.

۶۱ - معادل عبری این کلمه «Meshimmadim» است که در شرع یهود، به یهودیانی گفته می‌شود که «کافر» می‌شوند و شامل «پاگان»^۱ها یا مسیحیها می‌شود اما یهودیانی را که به اسلام گرویده‌اند، دربر نمی‌گیرد.

۶۲ - معادل عبری این کلمه، «Minim» است. که معنای دقیق آن «منکرین

۱. Pagan، این واژه معانی گوناگونی دارد از جمله: کافر، مشرک، بت‌پرست، غیر مسیحی، - در دوره جنگهای صلیبی به مسلمانان هم اطلاق می‌شد که به معنای بی‌دین، خدانشناس و روسپی است. - مترجم.

وحدانیت خدا» است.

63- Tractate «Berakhot», P. 58b.

۶۴- به گفته بسیاری از فقهای یهود، قاعده اصلی همچنان در سرزمین اسرائیل به طور کامل اجرا می شود.

۶۵- این رسم موجب بروز حوادث بسیاری در تاریخ جامعه یهود اروپا گردید. یکی از مشهورترین این حوادث که آثار و تبعات آن همچنان تا امروز قابل رؤیت است، در قرن چهاردهم در پراگ^۱ اتفاق افتاد. چارلز چهارم پادشاه بوهیمیا (که امپراتور مقدس روم^۲ هم بود)، یک صلیب بسیار مجلل و قیمتی داشت که آن را در کنار یک پل سنگی برپا داشته بود. این پل که توسط خود چارلز ساخته شده بود هنوز در پراگ وجود دارد. یک روز به چارلز گزارش داده شد که یهودیان پراگ بر اساس یک رسم، وقتی از مقابل این صلیب عبور می کنند، در مقابل آن آب دهان می اندازند. چارلز به خاطر شهرتی که در حمایت از یهودیان داشت از شکنجه آنان صرف نظر کرد اما دستور داد تا جامعه یهودیان شهر، بهای حکاکسی واژه عبری «Adony» (اریاب، خداوند، حق)^۳ بر روی صلیب مزبور را که با طلا انجام شد، بپردازند. این واژه یکی از مقدس ترین نامهای هفتگانه خداست. از آن زمان به بعد هیچ کس حق نداشت به هنگام عبور از مقابل این صلیب عملی که نشانه بی احترامی به آن باشد، انجام دهد و بدین ترتیب انداختن آب دهان موقوف شد. البته وقایع دیگری که در ارتباط با این رسم روی داده است این قدر جالب نیست.

۶۶- آیاتی که غالباً برای این منظور به کار می رود شامل کلماتی است که از ریشه عبری «Shqets» به معنای «ناپسند شمردن و تنفر داشتن» اخذ شده است. همان طور که در سفر تثنیه (کتاب دوم تورات) در فصل هفتم، صفحه ۲۶ نیز آمده است: «تو باید واقعاً از آن متنفر باشی و تو باید مطلقاً از آن منزجر باشی، چرا که چیز ملعونی است.» به نظر می رسد که واژه موهن Sheqetz، که

۱. Prague، پایتخت کشور چکسلواکی قدیم و جمهوری چک امروز. - مترجم.

2. Holy Roman Emperor 3. Lord

برای مخاطب قراردادن غیر یهودیان به کار می‌رود (فصل دوم) از این رسم، گرفته شده باشد.

67- *Talmud*, Tractate Beytzah, P. 21 a. b; Mishnah Berurah on ShulbanArukh, «Orah Hayyim» 512.

در تفسیر دیگری به نام *Magen Avraham* نیز قرائین مستثنی شده‌اند.

۶۸- بر اساس «هالاخا» یک برده غیر یهودی که توسط یک یهودی خریداری شده است، بایستی به دین یهود در آید، اما با این کار به یک یهودی شایسته تبدیل نمی‌شود.

69- *Leviticus*, 25:46.

۷۰- شکل عبری نام عیسی (Yeshu) به تعبیری، حروف اول کلماتی است که تشکیل این نفرین را می‌دهد: «نام و خاطره‌اش از صفحه روزگار محو باد» و به عنوان یک دشنام رکیک به کار می‌رود. در واقع یهودیهای ارتدکس ضد صهیونیست (مثل Neturey Qarta) گاهی اوقات به «هرتصل» می‌گفتند: «هرتصل عیسی» و من در نوشته‌های صهیونیستی مذهبی به تعبیری نظیر «ناصر عیسی» و جدیدترین آن، «عرفات عیسی» برخورد کرده‌ام.

در زمینه علوم اجتماعی منتشر کردیم:

- پرسش و پاسخ درباره حقوق بشر
لیا لوین، محمدجعفر پوینده
- خط قرمز (درباره آزادی و حدود آن)
مجموعه مقاله و مصاحبه
گردآوری نشر قطره
- جامعه مدنی و جوانان
گردآوری نشر قطره
- آزادی اندیشه و بیان
دکتر عبدالمجید نجار، محسن آرمین
- مشارکت سیاسی زن
دکتر هبه رئوف، محسن آرمین
- فرهنگ‌شناسی
چنگیز پهلوان
- زنان در جامعه مدنی
سیدمحسن سعیدزاده
- افغانستان
چنگیز پهلوان
- درآمدی بر جامعه‌شناسی و اقتصاد
فرهنگ در ایران امروز
مجید محمدی
- اصلاح تفکر اسلامی
دکتر طه جابرالعلوانی، محمود شمس
- فرار مغزها
هابرس و دیگران، مجید محمدی
- خشونت سیاسی
دکتر ناصر فکوهی
- رفع تبعیض از زنان
مهرانگیز کار
- دین، اینجا، اکنون
پاپکین، شوارتز - مجید محمدی
- توسعه سیاسی
گردآوری: مهدی خاکی فیروز
- مباحثی در منطق حکومتی
سید یونس ادیانی
- اسطوره بازگشت جاودانه
میرچا الیاده - بهمن سرکاراتی

www.KetabFarsi.com

1-490-1NE-476 MS1

